

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۵۲ - ۲۳۹

معرفی رساله خطی اخلاقی «ایقاظ الغافلین» ملا محمد مومن بن محمد حسین دهکردی

محمد علی نظری سرمازه^۱

چکیده

ملا محمد مومن دهکردی از عالمان قرن سیزدهم قمری است که با تالیف آثار مختلف، نقش مهمی در ترویج فرهنگ و معارف اهل بیت ع داشته اما تاکنون نسبت به معرفی و احیاء آثار وی اقدامی صورت نگرفته است. نگارنده دو اثر خطی مهم از ایشان شناسائی کرده است؛ یکی رساله ی «ترجمه الصلوه» در فقه و دیگری «ایقاظ الغافلین» در اخلاق که موضوع پژوهش حاضر است و در چهار فصل با مطالب عمیق اخلاقی مستند به آیات و روایات در مذمت دنیا و تحصیل آخرت تدوین شده است. در این پژوهش مطالب به صورت کتابخانه ای گردآوری و با روش توصیفی و تحلیل محتوا مورد ارزیابی قرار گرفته و این نتیجه به دست آمد که رساله مورد بحث اثری با محتوای غنی اخلاقی است و نویسنده با ارائه آموزه های اخلاقی با تکیه بر منابع دینی در جهت توسعه و ترویج اخلاق فردی و اجتماعی گام موثری برداشته است.

واژگان کلیدی

محمد مومن، ایقاظ الغافلین، اخلاق، فضیلت، آخرت.

۱. عضو هیات علمی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

طرح مسأله

استان چهارمحال و بختیاری یکی از استان‌های مرکزی کشور به مرکزیت، شهرکرد (دهکرد قدیم) است. این استان با گستره‌ای برابر با ۱۶'۴۲۱ کیلومتر مربع یک درصد از کل وسعت ایران را در بر گرفته است و بیست و دومین استان کشور از نظر پهناوری می‌باشد (۱، ص: ۲) و از جمله بخش‌های کوهستانی فلات مرکزی ایران محسوب می‌شود. این استان از شمال و مشرق به استان اصفهان، از مغرب به استان خوزستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد و از سوی شمال غربی به استان لرستان محدود می‌شود. زبان‌های لری بختیاری، فارسی و ترکی قشقایی در میان ساکنان این استان رایج است. در برخی نقاط این استان و برخی دیگر از شهرهای آن به زبان فارسی با لهجه خاص خود صحبت می‌کنند. (۱، صص: ۶۵ - ۶۶).

علیرغم تنوع قومیتی و زبانی در استان چهارمحال و بختیاری، مذهب همه ساکنان این استان، شیعه اثنی عشریه می‌باشد. حفظ این اتحاد مذهبی مرهون تلاش عالمان دینی شیعه و دانشمندان علوم دینی است که با فراگیری، تعلیم و نشر علوم اهل بیت علیهم السلام توانسته‌اند نقش مهمی در ترویج و نشر فرهنگ و معارف شیعه ایفا کنند. آثار به جا مانده از عالمان دینی و دانشمندان مذهبی استان چهارمحال و بختیاری گواه این تلاش مجاهدانه و خالصانه می‌باشد.

امروزه با توسعه و رشد سریع وسایل ارتباط جمعی و تسلط آن بر اذهان و جوامع و پیدایش و ترویج زبان و فرهنگ‌های کم‌عمق و بی‌اصالت که ضرورت پرداختن به حفظ آثار تمدن ایرانی - اسلامی را که دربردارنده ی بار هویتی و معنوی کشور هستند، بیش از هر زمان دیگری عیان کرده است، احصاء متون اسلامی و آثار عالمان و اندیشمندان این استان و شرح و تصحیح آنها در قالبی صحیح و به دور از تحریف و تصرف به نسل‌های آینده از مهم‌ترین مباحث در باب حفظ هویت فرهنگی و دینی کشور و به ویژه استان چهارمحال و بختیاری به شمار می‌رود.

در همین راستا کوشش‌هایی برای احیای آثار و میراث مکتوب در این استان صورت گرفته است اما علیرغم همه تلاش‌ها در این زمینه، متأسفانه هنوز بسیاری از این آثار مغفول مانده است و به تبع آن بسیاری از عالمان دینی نزد عموم مردم و حتی برخی از آنان نیز نزد محققین و پژوهشگران ناشناخته مانده‌اند و معرفی اثر خطی موضوع تحقیق (ایقاز الغافلین) در همین راستا و به منظور معرفی مؤلف آن و این اثر گران سنگ اخلاقی او به محققین و پژوهشگران حوزه علوم انسانی و اسلامی صورت گرفته است.

یکی از عالمان و اندیشمندان خطه چهارمحال و بختیاری که نقش مهمی در ترویج فرهنگ اسلام و اهل بیت علیهم السلام در میان مردمان این خطه داشته است، «ملا محمد مومن بن محمد حسین دهکردی» است که وارسته در فقه و حدیث و اخلاق و غیره بوده است.

اطلاعات چندانی از این عالم متخلّق در دست نیست و آنچه از اثر مهمم اخلاقی او به نام «ایقاظ الغافلین» برداشت می شود، تواضع زاید الوصف ایشان و علاقه او به گمنامی و فرار او از دنیا و مظاهر دنیا و شهرت و اسم و رسم دنیوی است. او در این رساله خود را با الفاظ و عباراتی که نشان دهنده اوج تواضع و سرافکنندگی در مقابل پروردگار و اشتیاق به وصال معبود خویش است، خطاب می کند. در ابتدای رساله می گوید: «چنین گوید بنده نذیل خاطی و وامانده ذلیل عاصی محمد مومن بن محمد حسین دهکردی» (۷، ص: ۱) یا در ادامه می گوید «امید که خداوند عالم عزّ اسمه این حقیر جانی را با کسانی که مطلع بر این مجموعه شوند موفق بدارد» (همان). و در فصل اول در مذمت دنیا می گوید: «بدانکه مذمت دنیا احتیاج به بیان ندارد به علت آنکه محسوس است فناء و اضمحلال او، و مشاهد است زوال و انتقال او، نه عزّتش را اعتباری و نه ذلّتش را قراری و نه غنایش را بقائی» (همان، ص: ۲). و در پایان رساله نیز می گوید: «بنای حقیر نبود به نوشتن چیزی عمده، به جهت آنکه منفعل بودم و هستم از اعمال ناشایسته و از روسیاهی و کثرت معصیت خود، امید از کرم خداوند متعال آن است که هر که بر این مختصر مطلع گردد از برادران دینی، این حقیر عاصی و فقیر خاطی را به دعای خیر یاد نماید» (همان، ص آخر). بنابراین عبارات مختلف این رساله نشان می دهد که محمد مومن بن محمد حسین دهکردی از شهرت دنیوی گریزان بوده است و به همین دلیل در مورد تاریخ ولادت و وفات ایشان و محل دفن ایشان اطلاعی در دست نیست و تنها دو اثر اخلاقی و فقهی از ایشان به جا مانده است که آن هم به خواهش دوستان و شاگردان وی نوشته شده است و با توجه به اینکه یکی از نسخه ها (نسخه مسجد نو بازار اصفهان) توسط خود مولف مقابله شده است و مطالبی را در حاشیه و پایان رساله به خط خویش نوشته است و در پایان نسخه، تاریخ کتابت را سال ۱۲۶۴ قمری عنوان کرده است، مشخص می شود که مولف در سال ۱۲۶۴ قمری در قید حیات بوده است.

مولف احتمالاً فرزند ملا محمدحسین بن محمدرفیع دهکردی چهارمحالی است که جلد هجدهم بحارالانوار علامه مجلسی را در سال ۱۲۳۷ قمری استنساخ و با خط بسیار زیبا کتابت نموده و نسخه خطی آن در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۵۷۷ - ۵ نگهداری می شود.^۱ او در انتهای این کتاب چنین نوشته است: «تمت کتاب الصلوة فی ید کاتبه العبد الاقل المذنب العاصی الفقیر ابن مرحمت و غفران پناه و جنت و رضوان آرامگاه، حاجی محمد رفیع؛ اقل الحاج محمدحسین دهکردی چهارمحالی فی تاریخ یوم الاثنین سبع و عشرين شهر محرم الحرام من شهر ۱۲۳۸ ثمان و ثلاثون ماتین بعد الالف من الهجرة النبویة صلی الله علیه و آله» (۹، ص: ۹).

1. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/807371>

پایان). و نیز کتاب الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره یوسف بن احمد بحرانی را در سال ۱۲۳۵ قمری استنساخ و کتابت نموده است و نسخه خطی آن در کتابخانه طبسی حائری در قم نگهداری می‌شود.^۱

آثار بر جای مانده از ملا محمد مومن دهکردی نشان دهنده عمق اندیشه های فقهی، حدیثی، عرفانی و اخلاقی و معرفت تسلط او بر فقه و حدیث شیعه است. نگارنده تاکنون دو اثر نفیس از این عالم وارسته شناسائی نموده است؛ یکی اثر گران سنگ اخلاقی با عنوان «ایقاظ الغافلین» که موضوع مقاله حاضر است و مولف، آن را در حدود ۱۲۶۴ قمری تالیف نموده است و دیگری اثر بسیار ارزشمند «ترجمه الصلوة» در فقه است^۲ که به خط مولف کتابت شده و در کتابخانه عتبه عباسیه ع به شماره ۷۵۲/۲ نگهداری می‌شود و نگارنده، آن را در مقاله دیگری معرفی خواهد کرد. وی کتاب نهج الحق و کشف الصدق علامه حلی را نیز به سال ۱۲۶۳ قمری استنساخ و با خط بسیار زیبا کتابت نموده است و در پایان آن چنین آورده است: «و وقع الفراغ من کتابه هذه الذرة الیتیمه فی ضحی یوم الخمیس سابع عشر شهر صفر المظفر من شهر ۱۲۴۳ بید اقل الخلائق محمد مومن بن محمد حسین الدهکردی غفر الله لهما» (۹، ص: پایان).

آثار مشابهی با محتوای این رساله در میان آثار محققین حوزه اخلاق به چشم می‌خورد که می‌توان به آثار محمدطاهر شیرازی قمی، ادهم عزلتی خلخالی، ادب اللسان میرزا محمدباقر خوانساری، اسرار المواعظ محمد حسین صدر، انیس الابرار عبدالحسین اضعف یزدی، تحفه الواعظین عبدالعظیم اردبیلی، تذکره الذاکرین محمد صادق خوئی، تذکره العارفین محمد جعفر یزدی، تبیه الغافلین ملا جمال کاتب، جامع المواعظ محمد تقی کاشانی، ذخیره المعاد محمد باقر فشارکی، نتایج المقاصد شیخ جعفر شوشتری و مواعظ حسنه ملا علی کنی اشاره کرد که مشتمل بر خطابت و وعظ و پند مذهبی هستند. (۳، ص ۲۶۴) آنچه باعث تمایز رساله ایقاظ الغافلین از آثار مشابه مذکور است، مدلل کردن مطالب این رساله به آیات قرآنی و روایات دقیق از منابع مسلم شیعه توسط مولف است که از حالت پند و موعظه صرف فراتر رفته و به عمق مسائل اخلاقی پرداخته است. از آنجائی که هیچ پژوهشی در خصوص آثار و شخصیت این عالم وارسته صورت نگرفته است، پژوهش حاضر در راستای احیاء میراث مکتوب اسلامی، ضمن معرفی یکی از آثار غنی اخلاقی و دینی که تاکنون ناشناخته و مغفول مانده بود، به معرفی شخصیت مولف و ایجاد زمینه برای پژوهش های دیگر در این زمینه می‌پردازد.

بنابراین پژوهش حاضر به معرفی اثر گران سنگ اخلاقی ملا محمد مومن دهکردی با عنوان «ایقاظ الغافلین» اختصاص دارد و با بهره گیری از نسخه های موجود این رساله به بررسی منابع

1. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/7791370>

2. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/8182726>

و مآخذ این اثر و توصیف و تحلیلی از متن رساله پرداخته و اشاره مختصری نیز به صحت انتساب آن به مولف می‌کند.

ایقاظ الغافلین^۱

عنوان این رساله بیانگر محتوای اخلاقی آن است. ایقاظ مصدر باب افعال و ماضی آن «أَيَقَظُ» و مضارع آن «يُوقِظُ» و به معنای «معنای بیدار کردن فردی از خواب است» (۴، ص: ۳۱۹۸)^۲ و ترکیب «ایقاظ الغافلین» به معنای بیدار کردن غفلت زدگان می‌باشد. این اثر گرانشنگ، مشتمل بر نصایح و ارشادات دینی و اخلاقی است که مولف آنها را با ذکر آیات قرآنی و احادیث اهل بیت علیهم السلام مدلل نموده است؛ نصایحی که بر ترک دنیا و طلب منزلت آخرت و دعوت به انجام تکالیف دینی تاکید دارد. محمد تقی دانش پژوه در مقاله ای با عنوان چند اثر فارسی در اخلاق از این رساله نام برده است و این اثر را در زمره آثار اخلاقی خطابت و وعظ و پند مذهبی قلمداد کرده است (۳، ص: ۲۶۴). محمود مرعشی نجفی نیز در کتاب پژوهش‌هایی درباره نسخه‌های خطی در ایران و جهان از این اثر یاد نموده است (۱۰، ص: ۲۲۷). طبق آنچه از مقدمه این رساله مشخص می‌شود، مولف ابتدا به صورت اختصار بعضی از این مطالب را برای برخی از علاقه‌مندان به فراگیری و کسب فضایل اخلاقی نوشته و بعداً به درخواست یکی از دوستان خود، آن را توسعه و تفصیل داده است. ملا محمد مومن دهمکردی در مقدمه می‌گوید: «حقیر چند کلمه نوشته بودم مشتمل بر بعض نصایح از برای بعضی از برادران، مصلحت در فرستادن دیده نشد بخواش دوستی از دوستان فی الجمله بسط داده شد آنچه نوشته بودم. امید که خداوند عالم عزّ اسمه این حقیر جانی را با کسانی که مطلع بر این مجموعه شوند موفق بدارد از برای عمل کردن به آنچه در آن است و مسمی نمودم این مجموعه را به ایقاظ الغافلین» (۷، ص: ۱).

این رساله به زبان فارسی و در ۲۶۶ تا ۲۹۰ صفحه (به نسبت تفاوت نسخه‌ها) نگاشته شده است و متن عمیق آن نشان دهنده اوج تخلّق مولف به اخلاق و آداب اسلامی است و استنادات فراوان او به آیات کریمه ی قرآنی و روایات معصومین علیهم السلام نشان دهنده تسلط او به حدیث و تفسیر قرآن است. قلم روان او نیز هر مشتاقی را به اشتیاق فراگیری اندیشه‌های او و می‌دارد و سخن از دل برآمده ی او بر جان هر خواننده ای می‌نشیند و حس تاثیر پذیری را در او بر می‌انگیزد.

۱. متن کامل این اثر به انضمام ملاحظات نسخه‌شناسی و تصحیح انتقادی آن، توسط نگارنده ی این گفتار، به زودی منتشر خواهد شد.

۲. و نیز ر. ک به بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ص: ۱۶۹.

ایقاظ الغافلین در چهار فصل تدوین شده است؛ فصل اول در مذمت دنیا، فصل دوم در اموری که متذکر شدن آنها باعث شوق تحصیل آخرت می شود، فصل سوم در ذکر بعضی از طاعات و ثواب آنها بعضی از معاصی و عقاب آنها و فصل چهارم در ذکر احوال آخرت است.

انتساب این رساله به مولف

علاوه بر اشاره محمد تقی دانش پژوه در مقاله «چند اثر فارسی در اخلاق» به این رساله و تصریح وی به نام مولف و نیز اشاره محمود مرعشی نجفی در کتاب پژوهش‌هایی درباره نسخه‌های خطی در ایران و جهان که از نظر گذشت، در ابتدای همه نسخه‌های موجود به مولف مورد نظر؛ یعنی ملامحمد مومن بن محمدحسین دهکردی تصریح شده است که اشاره خواهیم کرد.

نکته مهم دیگری که انتساب این رساله را به مولف مورد نظر، قطعی و مدلل می کند، مقابله یکی از نسخه‌ها (نسخه مسجد نو بازار اصفهان) توسط خود مولف است که این نسخه را تصحیح و نکاتی را به خط خود در حاشیه آن نوشته است و در پایان رساله، تصریح می کند: «به قدر مقدور مقابله نمودم از برای اخ اعز اکرم و مطاع اجل افتخام خیرالحاج و العمار اخوی حاجی غلامعلی سلمه الله تعالی التماس دعا از ایشان دارم فراموش نکنند. حقیر محمد مومن» (۵: ص پایان)

بنابراین بر اساس آنچه گفته شد، هیچ تردیدی در انتساب این رساله به ملا محمد مومن دهکردی وجود ندارد

نسخه‌های ایقاظ الغافلین

نگارنده تاکنون توانسته است به سه نسخه از این رساله دست پیدا کند؛ نسخه‌های نفیس و ارزشمندی که به شرح زیر معرفی می شوند:

۱- نسخه کتابخانه مسجد نو بازار اصفهان

این نسخه بسیار نفیس در ۲۹۰ صفحه در قطع رقعی و با خط نسخ بسیار زیبا در نهم جمادی الاولی سال ۱۲۶۴ قمری کتابت شده است، کاتب این نسخه مشخص نیست. عناوین به شنگرف و احادیث با خط شنگرف بر فراز آن مشخص شده است. قطع رقعی کوچک، ۱۴۵ برگ ۱۸ سطری. این نسخه در کتابخانه مسجد نو بازار اصفهان نگهداری می شود و توسط آیت اله نجفی تولیت این کتابخانه در کمال عطف و مهربانی در اختیار نگارنده گذاشته شد و در آذرماه سال ۱۴۰۱ شمسی در محل کتابخانه مذکور با همکاری تولیت مسجد و کتابخانه از آن عکسبرداری نمودم.

آغاز نسخه: « الحمد لله الذی ابتلی أولیائه بالبلایا لیستعدوا للأخرة ولیعلموا أنّ الدنیا لم تکن

دار مقرّمهم بل هی قنطرة للأخرة والصلاة والسلام على من أوجد الله له الدنيا والأخرة وعلى آله وعترته رؤساء الدّنيا والأخرة. أما بعد؛ چنین گوید این بنده نذیل خاطی و وامانده ذلیل عاصی محمد مؤمن بن محمد حسین دهمکردی...» (۵، ص: ۱).

انجام نسخه: «و بنای حقیر نبود به نوشتن چیزی عمد به جهت آن که منفعل بودم و هستم از اعمال ناشایسته و از روسیاهی و کثرت معصیت خود امید از کرم خداوند متعال آن است که هرکه بر این مختصر مطلع گردد از برادران دینی این حقیر عاصی و فقیر خاطی را به دعای خیر یاد نماید. تمام شد این رساله در شب نهم جمادی الأولى من سنة ۱۲۶۴» (۵، ص: آخر).

۲- نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

این نسخه در ۲۳۲ صفحه ۱۹ سطری با خط نستعلیق شکسته توسط سید محمعلی بن محمد باقر حسینی در ربیع الثانی سال ۱۲۶۷ قمری کتابت شده است^۱ و در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۹۰۵۸ نگهداری می شود^۲. عناوین این نسخه به شنگرف و احادیث و آیات با خط شنگرف بر فراز آن مشخص شده است.

آغاز نسخه: « الحمد لله الذی ابتلی أولیائه بالبلایا لیستعدوا للأخرة ولیعلموا أنّ الدّنيا لم تکن دار مقرّمهم بل هی قنطرة للأخرة والصلاة والسلام على من أوجد الله له الدّنيا والأخرة وعلى آله وعترته رؤساء الدّنيا والأخرة. أما بعد؛ چنین گوید این بنده نذیل خاطی و وامانده ذلیل عاصی محمد مؤمن ابن محمد حسین دهمکردی...» (۶، ص: ۱).

انجام نسخه: «و بنای حقیر نبود به نوشتن چیزی عمد به جهت آن که منفعل بودم و هستم از اعمال ناشایسته و از روسیاهی و کثرت معصیت خود امید از کرم خداوند متعال آن است که هرکه بر این مختصر مطلع گردد از برادران دینی این حقیر عاصی و فقیر خاطی را به دعای خیر یاد نماید. تمام شد این رساله به ید الحقیر کثیر التقصیر اقل سادات محمدعلی بن محمد باقر حسینی در شب دوشنبه قره ربیع الثانی من شهر سنه ۱۲۶۷ سع و ستین و مأتین بعد الألف من الهجرة النبویة صلی الله علیه و آله اللهم اغفر لمولّفه و لوالدیه و لعامله و کاتبه بحقّ محمّد و آله» (همان، ص: آخر).

۳- نسخه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی

این نسخه متعلق به قرن ۱۳ است و در ۱۶۶ برگ ۱۶ سطری به شماره مسلسل ۱۷۵۴۳ در کتابخانه بزرگ آیت اله مرعشی نجفی و گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی نگهداری می شود (۷، ص: ۲۲۷). کاتب این نسخه سید حسین بن اسماعیل موسوی نجف آبادی است که به خط

1. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/8164326>

2. <https://digital.aqr.ir>

نسخ و در روز جمعه ۱۷ جمادی الثانی سال ۱۲۸۶ قمری استنساخ شده است (همان، ص: ۱). آغاز نسخه: «الحمد لله الذی ابتلی أولیائه بالبلايا لیستعدوا للآخرة ولیعلموا أنّ الدنیا لم یکن دار مقرّهم بل هی قنطرة للآخرة والضلالة والسلام علی من أوجد الله له الدنیا والآخرة وعلی آله وعترته رؤساء الدنیا والآخرة. چنین گوید ابن بنده نذیل خاطی و وامانده ذلیل عاصی محمد مؤمن ابن محمد حسین دهکردی...» (همان، ص: ۱).

انجام نسخه: « انجام نسخه: » تمام شد این رساله بیید حقیر الفقیر المذنب الخاطی اقل السادات و اقل الطلاب سید حسین ابن سید اسمعیل موسوی نجف آبادی امیدوارم از خوانندگان این رساله که این حقیر را هم به طلب مغفرت یاد و شاد نمایند و اگر غلطی هم تحریر پذیرفته محو فرمایند چراکه ایامی بود که از کثرت ناخوشی و با هیچ کس را دماغی نبود، به اغتشاش حواس نوشته شد فی جمعه هفدهم شهر جمادی الثانی من شهر ۱۲۸۶ الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الاولین والآخرین محمد و عترته الطیبین الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین اللهم اغفر لی و لجميع المؤمنین والمؤمنات» (همان، ص: آخر).

نسخه کتابخانه مسجد نو بازار اصفهان بر نسخه های دیگر از دو جهت دارای امتیاز ویژه و خاص است و این نسخه را از نسخه های دیگر ممتاز کرده است؛ اول اینکه این نسخه توسط مولف رساله مقابله شده است و در حواشی نسخه با خط مولف یادداشت هایی مرقوم شده است و در پایان رساله نیز عبارتی با خط مولف وجود دارد که بر این مطلب تصریح می کند « به قدر مقدور مقابله نمودم از برای اخ اعز اکرم و مطاع اجل افخم خیرالحاج و العمار اخوی حاجی غلامعلی سلمه الله تعالی التماس دعا از ایشان دارم فراموش نکنند. حقیر محمدمومن» (۵، ص: آخر). دو م اینکه این نسخه اقدم نسخ به لحاظ تاریخ کتابت است؛ همانگونه که ملاحظه شد، نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی در سال ۱۲۶۷ قمری و نسخه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی در سال ۱۲۸۶ قمری کتابت شده اند اما نسخه کتابخانه مسجد نو بازار اصفهان در سال ۱۲۶۴ قمری و در حیات مولف کتابت شده است و این دو مورد امتیاز خاصی به این نسخه بخشیده است.

متن رساله

همانگونه که بیان شد، این رساله در چهار فصل تدوین شده است:

فصل اول: در مذمت دنیا

مولف معتقد است مذمت دنیا از اوضح واضحات است و نیاز به بیان ندارد؛ چراکه عالم دنیا عالم محسوسات است و محسوسات فانی و اضمحلال پذیر هستند. وی در این خصوص به آیات

قرآنی نظیر آیه ۴۵ سوره مبارکه کهف^۱ و آیه ۲۰ سوره مبارکه حدید^۲ و چند روایت از پیامبر اسلام ص و حضرت امیر المومنین ع و امام جعفر صادق ع استناد کرده است و به شرح و تفسیر آیات و روایات در این خصوص پرداخته است. همانگونه که مولف متذکر می‌شود، مراد ایشان از مذمت دنیا، حب دنیا است و در ادامه مطالب به حدیث شریف «حَبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» اشاره می‌کند و در پایان این فصل تصریح می‌کند که «خلاصه کلام آن است که فانی بودن دنیا و زوال آن احتیاج به بیان ندارد و همه کس می‌داند و می‌گوید که دنیا جای ماندن نیست، لکن باید شخص در صدد آن برآید که حب دنیا را از دل بیرون کند و در دنیا باشد بدون علاقه داشتن به دنیا... و دائم در طلب چیزهایی باشد که او را به خداوند عالمیان نزدیک کند» (ص: ۱۷).

فصل دوم: در چیزهایی که متذکر شدن آنها و فکر کردن در آنها باعث شوق تحصیل آخرت می‌شود و شخص را از غفلت و وابستگی به دنیا بیرون می‌آورد.
 مولف این امور را هفت مورد برمی‌شمارد:

۱- تفکر در اصل خلقت خویش؛ مولف با استناد به آیه دوم سوره مبارکه انسان که می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ»^۳ و توضیح و تفسیر زیبایی سیر مراحل خلقت انسان، معتقد است اگر انسان در مراتب خلقت خود فکر کند، حرص و طمع در جمع کردن اموال فانیه زائله دنیویه و غرور و تکبر و خودپسندی از سر او می‌افتد. البته مولف باز هم تاکید می‌کند که انسان در کسب مال دنیا به گونه‌ای نباشد که در فکر دنیا باشد و از آخرت غافل شود و یا از راه حرام کسب مال کند وگرنه کسب مال از راه حلال سفارش پروردگار عالمیان است (ص: ۲۰ - ۲۱).

۲- تفکر در درون و برون خویشتن؛ از نگاه مولف اگر انسان به درون خود و برون خود دقت و توجه داشته باشد، متوجه می‌شود که به لحاظ درونی مملو است از خون و منی و سایر نجاسات و به لحاظ بیرونی محتاج به لباس و خوراک و سایر وسایل مورد نیاز برای زندگانی و این توجه و تفکر باعث دوری از تکبر و خودبینی و متابعت نفس و مغرور شدن به دنیا و طغیان و سرکشی و معصیت خداوند سبحان می‌شود.

از طرفی تفکر در ناخوشی‌ها و درهای زیادی که ناشی از زیاده‌ای اخلاط چهارگانه خون، صفرا، سودا و بلغم است و تفکر در اینکه روز به روز در حال انحطاط و نیستی و ضعف قوا است،

۱. وَأَضْرَبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا.

۲. اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ.

۳. سوره انسان / آیه ۲.

انسان را برای امر آخرت مستعد و مهیا می‌کند.

بنابراین سیر و تفکر در آفاق و انفس از نگاه مولف، انسان را از دل بستگی دنیا رهاکننده و برای امر آخرت مستعد و مهیا می‌کند و این از اوصاف صاحبان عقل و خرد است و بر این مساله به آیه شریفه ۱۹۱ سوره مبارکه آل عمران^۱ استناد می‌کند (۵، ص: ۲۳) و به تفصیل در مورد ذکر و یاد خدا که در آیه شریفه به آن اشاره شده است و نیز در مورد تفکر و ویژگی‌های تفکر مطالبی را با استناد به آیات و روایت بیان می‌کند.

۳- تفکر در فانی بودن لذت‌های دنیوی؛ مولف لذت‌های دنیویه را به پنج قسم تقسیم می‌کند؛ خوردن و آشامیدن، پوشاک و البسه، اموال و املاک، همنشینی با زنان و عزت در میان مردم. او معتقد است هیچکدام از این لذایذ دنیوی دوام و بقایی ندارند و لذت حقیقی در چیزهایی است که همیشه همراه شخص می‌ماند و هرگز از او جدا نمی‌شود و آن اعمال حسنه است و همچنین رنج حقیقی در چیزی است که همیشه همراه شخص می‌ماند و هرگز از او جدا نمی‌شود و آن اعمال قبیحه است. بنابراین تفکر در زودگذر بودن لذت‌های دنیوی و دوام و بقای لذت‌های اخروی باعث شوق تحصیل آخرت خواهد شد (همان، صص: ۲۹-۳۳).

۴- تفکر در هدف آفرینش؛ در این قسمت از فصل دوم تاکید می‌کند که مقصود از آفرینش انسان محض خوردن و آشامیدن نیست که اگر چنین بود، انسان با سایر حیوانات تفاوتی نداشت. بنابراین از منظر او اینکه خداوند انسان را از سایر حیوانات ممتاز گردانید، به سبب تکلیف است که انسان به جهت عمل کردن به تکلیف الهی از حیوانات ممتاز می‌شود و به درجات عالی می‌رسد. پس اگر انسان به تکلیف الهی عمل نکند، از جهت صورت شاید با سایر حیوانات متمایز باشد اما از جهت باطن و سیرت همان سیرت و خوی حیوانیت را دارد (همان، صص: ۳۳-۳۵).

۵- حیاء در برابر پروردگار و توجه به اینکه عالم محضر خدا است. همانگونه که انسان در مقابل دیدگان انسان‌های دیگر معصیت و اعمال قبیحه انجام نمی‌دهد و اعمال قبیحه را در خفا و پنهانی مرتکب می‌شود، اگر عالم را محضر خداوند بدانند، با عنایت به آیات و روایات مختلفه که خداوند و رسول خدا و ملائکه را ناظر بر اعمال انسان معرفی می‌کنند، در همه حالت مراقب اعمال خود خواهد بود و به فکر روز حساب و امر آخرت خواهد افتاد (همان، صص: ۳۷-۶۵).

۶- تفکر در اینکه آنچه انسان را در آخرت همراهی می‌کند، اعمال اوست، مال و اموال دنیوی انسان در قبر و قیامت همراهی نخواهند کرد، پس زحمت و زجر و محنت در مال اندوزی دنیوی او را سودی نخواهد بخشید و این توجه و تفکر در فانی بودن تمام امور دنیوی جز آنکه

۱. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ قَبَسْنَا عَذَابَ النَّارِ .

برای تهیه مقدمات آخرت باشد انسان را به امر آخرت ترغیب و تشویق خواهد کرد (همان، صص: ۳۷-۶۵). مولف این مساله را به صورت مفصل و با استناد به احادیث فراوان متذکر می‌شود و فصل دوم را به پایان می‌رساند و یادآور می‌شود که بعد از التفات و توجه به اموری که در این فصل بیان شد، مشروط بر دوام تفکر و تذکر، انسان متذکر امر آخرت خواهد شد (همان، ص: ۶۵).

فصل سوم: در ذکر بعضی از طاعات و ثواب آنها و بعضی از معاصی و عقاب آنها

مولف این فصل را همانگونه که از عنوان فصل پیداست، در دو مطلب بیان می‌کند؛ مطلب اول در ثواب بعضی از طاعات و مطلب دوم در عقاب بعضی از معاصی.

مطلب اول؛ یعنی ثواب بعضی از طاعات را در شش باب و مطلب دوم یعنی عقاب بعضی از معاصی را در نه باب تبیین می‌کند.

باب اول از ابواب شش گانه ثواب بعضی از طاعات را در «نماز» بیان می‌کند و اینکه نماز از افضل اعمال به شمار می‌رود (همان، ص: ۶۵). مولف در مورد نماز و فضیلت آن به طور مفصل به شرح و تفسیر آیات و روایات می‌پردازد.

باب دوم در زکات و خمس است؛ او باب دوم را در دو مقصد بیان می‌کند؛ مقصد اول در زکات و مقصد دوم در خمس. مولف می‌گوید: چون خداوند جلّ شأنه همه جا زکات را به نماز مقرون گردانیده است، از این جهت حقیر زکات را بعد از نماز عنوان کردم» (همان، ص: ۸۲). وی ضمن بیان آیات و روایات به تفصیل در مورد فضیلت زکات و خمس سخن به میان آورده است.

باب سوم در ذکر بعضی از فضایل روزه است (همان، ص: ۹۰)؛ او روزه را از اعظم عبادات و رکنی از ارکان طاعات و حصنی حصین برای دفع شهوات و علامت اهل یقین می‌داند (همان، ص: ۹۱) و در فضیلت آن مطالب بسیاری را پیام می‌کند.

باب چهارم در فضایل حج است (همان)؛ مولف در این باب به استناد آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه آل عمران (همان)، معتقد است «اهتمام در حج در شریعت مقدسه به سرحدی است که خداوند نرفتن به حج را تعبیر به «مَنْ كَفَرَ» فرموده است و هیچ یک از عبادات را در مقام ترک آن تعبیر به این طریق نفرموده است» (همان).

باب پنجم در احسان به پدر و مادر است؛ در این باب، مولف به فضایل نیکی به پدر و مادر می‌پردازد و فضایل و آداب احترام به پدر و مادر را از منظر آیات و روایات بررسی می‌کند.

باب ششم در صله ارحام و احسان به فقرا و یاری کردن برادران دینی است؛ او در این باب مفصلاً در این خصوص مطالبی را بیان می‌دارد و آیات و روایات متعددی را در این باره شرح و تفسیر می‌کند. و حتی در مورد حقوق حیوانات نیز سخن به میان می‌آورد.

پس از اینکه ابواب شش گانه ثواب بعضی از طاعات را بیان می‌نماید به مطلب دوم در عقاب

بعضی از معاصی می پردازد(همان) و آن را در نه باب بیان می کند؛ باب اول را به عقاب ترک بعضی از عبادات مانند نماز، زکات، خمس، روزه و حج اختصاص می دهد و به ذکر بعضی از عقاب های ترک این عبادات بسنده می کند.

باب دوم در ظلم است؛ مولف در این باب به تفصیل در مورد قبیح ظلم سخن می گوید و معتقد است ظلم و ستم کردن از جمله گناهان کبیره و هلاک کننده انسان است و با استناد به حدیث شریف نبوی ص « المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه » (مسلمان کسی است که مسلمانان از دست او و زبان او ایمن باشند) به تقییح ظلم و ظالمین می پردازد(همان، ص: ۱۶۵).
باب سوم در شرب خمر است؛ مولف در این باب در مذمت شرب خمر که از گناهان کبیره است، معتقد است شرب خمر از خوردن نجاست به مراتب بدتر است؛ چراکه خوردن نجاست عقل را زائل نمی کند اما شرب خمر علاوه بر مضراتی که خوردن نجاست دارد، عقل را نیز زائل می کند (همان، ص: ۱۸۴).

باب چهارم در زنا، باب پنجم در لواط، باب ششم در خوردن مال یتیم، باب هفتم در قتل نفس، باب هشتم در غیبت کردن و باب نهم در نزاع کردن با خلق است که مولف در قبیح این اعمال و عقاب آنها به زیبایی با استناد به آیات و روایات و با شرح و تفسیر آنها مطالب مهمی را بیان کرده است که مجال ارائه تفصیل آن در این پژوهش نیست .

نهایتاً فصل چهارم در مُردن و مابعد آن است؛ مولف این فصل را در شش مقصد بیان کرده است؛ مقصد اول در حالت احتضار و خروج روح از بدن. مقصد دوم در ذکر احوال قبر. مقصد سوم در ذکر برزخ. مقصد چهارم در احوال روز قیامت. مقصد پنجم در ذکر احوال بهشت و مقصد ششم در ذکر جهنم است. این مقاصد شش گانه با تبیین و توصیف های زیبا و با تکیه بر آیات و روایات به گونه ای ارائه شده است که هر مخاطبی در هر سطحی می تواند بهره لازم را برده و این مطالب مکتوب را همانند یک استاد اخلاق حاذق حیّ در کنار خود احساس نماید.

نتیجه گیری

ملا محمد مومن بن محمد حسین دهمکردی از عالمان قرن ۱۳ در شهرکرد (دهکرد سابق) بوده است. آثار به جا مانده از ایشان، نشان از وارستگی اخلاقی و تسلط او بر فقه، حدیث، تفسیر و اخلاق و غیره دارد. وی نقش مهمی در ترویج فرهنگ و معارف اهل بیت ع داشته است و بدون شک در زمان خود، یکی از اساتید بزرگ به ویژه در حوزه اخلاق بوده است. مع الوصف، علیرغم اهمیت آثار وی، کوششی برای احیاء آنها صورت نگرفته است و این پژوهش، اولین گامی است که در خصوص معرفی شخصیت و آثار این عالم جلیل القدر صورت گرفته است و ایقاظ الغافلین او را به پژوهشگران حوزه اخلاق معرفی کرده تا آغازی باشد بر پژوهش‌های بیشتر و احیاء آثار مکتوب و مغفول ایشان.

نگارنده سه نسخه از رساله ایقاظ الغافلین را شناسایی کرده است؛ یکی در کتابخانه آیت اله مرعشی، نسخه دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه سوم در کتابخانه مسجد نو بازار اصفهان که به کمک این نسخه‌ها، آن را تصحیح کرده و پژوهش حاضر را برای معرفی آنها ارائه نموده است.

در صحت انتساب این رساله جای هیچ تردیدی وجود ندارد؛ چرا که در ابتدای هر سه نسخه به نام مولف تصریح شده است و در پایان یکی از نسخه‌ها نیز مولف به خط خود به مقابله نسخه مورد نظر اشاره نموده است.

مولف این رساله، مطالب اخلاقی و نصایح معنوی خود را در چهار فصل بیان کرده است؛ فصل اول در مذمت دنیا، فصل دوم در اموری که متذکر شدن آنها باعث شوق تحصیل آخرت می‌شود، فصل سوم در ذکر بعضی از طاعات و ثواب آنها و بعضی از معاصی و عقاب آنها و فصل چهارم در مرگ و پس از آن است که آن را در شش مقصد بیان کرده است؛ توصیف حالت احتضار و خروج روح از بدن و ذکر آداب وارده آن از منظر روایات، توصیف احوال قبر و خانه ابدی و ملکات نفسانی که ناجی انسان در آن سرا می‌شود، توصیف برزخ و عالم بین دنیا و آخرت، توصیف احوال روز قیامت، توصیف احوال بهشت و نهایتاً توصیف احوال جهنم. این مطالب مهم که متضمن اصول مترقی اخلاقی و مستند به آیات و روایت است، مولف با نظم منطقی خاصی به گونه‌ای به تبیین و توضیح آنها و شرح و تفسیر آیات و روایات مورد استناد پرداخته است که برای هر مخاطبی قابل فهم بوده و آن مطالب عمیق اخلاقی با قلمی ساده و قابل فهم به زیبایی و با ظرافتی خاص ارائه شده است.

شناخت شخصیت این عالم وارسته و آثار مکتوب ایشان نیازمند پژوهش‌های بیشتر و عمیق‌تر است تا به کمک آن بتوان با اندیشه و نگرش وی در حوزه‌های مختلف به ویژه در حوزه اخلاق به نحو شایسته آشنا شد و از آثار مهم او بهره برد.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. امیدوار، شهرام، (۱۳۸۹)، *جغرافیای استان‌شناسی چهارمحال و بختیاری*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۲. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی عربی*، ترجمه رضا مهیار، تهران: نشر اسلامی.
۳. دانش پژوه، محمد تقی، (۱۳۵۲)، *چند اثر فارسی در اخلاق*، نشریه فرهنگ ایران زمین، شماره ۱۹، صص ۲۶۱-۲۸۴.
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه*، جعفر شهیدی و گروهی از نویسندگان، ج ۳، تهران: نشر روزنه.
۵. دهکردی، محمدمومن، (۱۳۶۴)، *ایقاظ الغافلین*، نسخه ی مخطوط، فاقد شماره، اصفهان: کتابخانه ی مسجد نو بازار.
۶. دهکردی، محمدمومن، (۱۳۶۷)، *ایقاظ الغافلین*، نسخه ی مخطوط، شماره ی ۳۹۰۵۸، مشهد: کتابخانه ی آستان قدس رضوی.
۷. دهکردی، محمدمومن، (۱۳۸۶)، *ایقاظ الغافلین*، نسخه ی مخطوط، شماره ی ۱۷۵۴۳، قم: کتابخانه ی آیت اله مرعشی نجفی.
۸. علامه حلی، (۱۲۴۳)، *نهج الحق و کشف الصدق*، نسخه مخطوط، شماره ی ۲۰۴۵۲-۵، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۹. علامه مجلسی، بحارالانوار، (۱۳۳۸)، ج ۱۸، نسخه مخطوط، شماره ی ۰۰۵۷۷ - ۵، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. مرعشی، محمود، (۱۳۸۹ش)، ج ۱، نسخه شناسی (پژوهش‌هایی درباره نسخه های خطی در ایران و جهان، قم: صحیفه خرد.

11. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/807371>
12. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/7791370>
13. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/8182726>
14. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/8164326>
15. <https://digital.aqr.ir>